

مجله اخلاق زیستی

دوره یازدهم، شماره سی و ششم، ۱۴۰۰
<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35490>



مقاله پژوهشی

بررسی نقش اخلاقی و اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در واکنش به جرم و پیشگیری از آن

بابک نونهال^۱، بهروز نوروزی^{۲*}، جواد واحدی‌زاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲. استادیار و عضو هیأت‌علمی گروه حقوق، واحد بيله‌سوار، دانشگاه آزاد اسلامی، بيله‌سوار، ایران.

۳. استادیار و عضو هیأت‌علمی، گروه فقه و حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سازمان‌های مردم‌نهاد در ابتدا در قامت رقیب برای دولت‌ها و با هدف فشار بر آن‌ها در جهت انجام وظایف و مسؤولیت‌ها تأسیس شدند، اما با گذشت زمان فضای تعامل میان دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شد. در ارتباط با این سازمان‌ها، یکی از رهیافت‌های تا حدودی فراموش شده، رهیافت اخلاقی سازمان‌های مردم‌نهاد در واکنش به جرم و پیشگیری از آن می‌باشد که تحقیق حاضر به آن خواهد پرداخت.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی پس از جستجوی هدفمند و مرور منابع، نقش اخلاقی و اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در واکنش به جرم و پیشگیری از آن مورد بحث و تحلیل قرار خواهد گرفت.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق سعی شده تا مسائل مربوط به اخلاق در پژوهش و از جمله امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله رعایت گردد.

یافته‌ها: در حقوق ایران طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام تعیین وظایف دستگاه قضایی، واکنش به جرم و پیشگیری از وقوع جرائم، از مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه دانسته شده است. به نظر می‌رسد سپردن این وظایف صرفاً به قوه قضاییه، یک خطای استراتژیک است و در مسیر نیل به اهداف قانون، سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مردمی می‌توانند زمینه‌های پیشگیری از جرم را با تکیه بر آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی فراهم آورند.

نتیجه‌گیری: سازمان‌های مردم‌نهاد اساساً جهت‌گیری اخلاقی دارند و اصول اخلاقی و تعامل اجتماعی بر فرهنگ سازمانی آن‌ها حاکم است؛ نهادهای مردمی در کنار قوه قضاییه می‌توانند نقش عمده‌ای در پیشگیری و واکنش نسبت به جرم ایفا نمایند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۱۲

واژگان کلیدی:

سازمان غیر دولتی

نهادهای مردمی

اخلاق در سازمان‌های مردم‌نهاد

قوه قضاییه

پیشگیری از جرم

* نویسنده مسؤول: بهروز نوروزی

آدرس پستی: ایران، بيله‌سوار، دانشگاه آزاد

اسلامی، گروه حقوق.

کد پستی: ۵۶۷۱۶۱۳۱۱۶

پست الکترونیک:

beh.norouzi@yahoo.com

۱. مقدمه

بزه‌کاری به عنوان پدیده‌ای مذموم، از ابتدای پیدایش جوامع بشری با آن همراه بوده و همواره، واکنش متناسب و پیشگیری از بروز و تکرار آن، به مثابه یکی از دغدغه‌های مهم جوامع انسانی به شمار می‌رفته است. اصولاً پیشگیری از وقوع بزه، به منزله یکی از سیاست‌ها و روش‌های اساسی در جریان کنترل اجتماعی به شمار می‌آید که به کلیه اقدامات و راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم جلوگیری‌کننده از وقوع جرم، انحراف و تخلف می‌پردازد. با این وصف، پیشگیری از جرم «سیاست پیشینی» به شمار می‌آید که در برابر انواع مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی که «سیاست پسینی» هستند، قرار داده می‌شود (۱). امروزه با توسعه این مفهوم به مرحله قبل از اعمال مجرمانه، و حتی تفکر انجام‌دادن جرم، یعنی وضعیت‌های پیش‌جنایی، سعی می‌گردد با اتخاذ متدهای پیشگیرانه، محدوده کنش و واکنش را شامل بشود، لذا پیشگیری در نوشته‌های ادبی به «دفع و جلوگیری»، «پیش دستی‌کردن» یا «آگاه‌کردن و هشداردادن» تعبیر شده است و در تألیفات علوم امروزی، مفهومی را شامل می‌شود که در جریانی فراگیر، دربرگیرنده مجموعه اعمال کنشی و واکنشی در مقابله با جرم است. می‌توان گفت به تعداد اندیشمندان جرم‌شناس و دانشمندان کیفری، در مورد پیشگیری از جرم تعریف وجود دارد (۲). Gassen جرم‌شناس و اندیشمند فرانسوی اعتقاد دارد که «پیشگیری شامل مجموع روش‌های سیاست جنایی به جز روش‌های نظام کیفری» می‌گردد که هدف منحصر از آن، محدودکردن امکان وقوع مجموعه اقدامات مجرمانه از طرق غیر ممکن‌سازی، سخت‌نمودن یا احتمال آن را کم‌کردن است (۳). Cusson جرم‌شناس و نظریه‌پرداز کانادایی در این مورد، پیشگیری را تدابیر غیر قهرآمیز یا غیر سرکوبگری می‌داند که هدف آن، جلوگیری از بزه‌کاری یا کاهش امکان وقوع جرم است. بعضی از حقوق‌دانان داخلی در این مورد و با اخذ نگرش مزبور، پیشگیری را

پیش‌بینی شناخت و ارزیابی خطر بزه‌کاری و جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا کاهش آن دانسته‌اند. در علوم اجتماعی و جرم‌شناسی از لحاظ نظری به مسأله علت شناسی بزه‌کاری و تبیین علل آن بیشتر پرداخته شده است تا به مطالعه و بررسی انواع و نحوه پیشگیری از بزه‌کاری. در مقایسه با فلسفه مجازات نیز، فلاسفه حقوق علاقه کمتری به موضوع پیشگیری نشان داده‌اند. با این وجود از دهه ۶۰ میلادی و با آغاز رویکردهای عملگرایانه مدیریتی و گسترش جرم‌شناسی انتقادی (در طول دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی) پیشگیری از جرم و بزه‌کاری در مفهوم کارکردی مورد توجه قرار گرفته است. پیشگیری از بزه‌کاری ضرورتی غیر قابل انکار است و به جای اینکه منتظر باشیم تا فردی مرتکب جرم شده و سپس طی فرآیندهای پیچیده دادرسی وی را محاکمه و مجازات نماییم، بهتر است از وقوع بزه‌کاری پیشگیری نماییم. آمارها حاکی از این هستند که مراقبت‌های دوران کودکی به عنوان یک روش پیشگیری اجتماعی به ازای هر یک دلار هزینه تا ۷/۵ دلار صرفه‌جویی به دنبال دارد یا مثلاً کمک به دانش‌آموزان برای اتمام تحصیل و عدم ترک تحصیل، هشت برابر کمتر از هزینه‌های برخورد سیستم عدالت کیفری با بزه‌کاری آتی آنان است (۴). امروزه مدل رایج در اکثر کشورها برای اجرای برنامه‌های پیشگیری از بزه‌کاری، «مدل چندنهادی» است. در این مدل برنامه‌های پیشگیری از بزه‌کاری با مشارکت نهادهای مختلف دولتی و مردم‌نهاد که بر حوزه بزه‌کاری تأثیرگذار هستند، در سطح محلی اجرا می‌شود (۵). با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که نهادهای مردمی و محلی نقش انکارناپذیری در پیشگیری از بزه‌کاری دارند. تشکلهای فعلی مردم‌نهاد در ایران تقریباً به ۵ سرشاخه عمده تقسیم شده و بر این اساس اقدام به دریافت مجوز نموده‌اند: تشکلهای مردمی داوطلب بهداشت و جمعیت، تشکلهای مردمی داوطلب علوم و تکنولوژی، تشکلهای مردمی داوطلب زیست‌محیطی،

تشکل‌های مردمی داوطلب محله‌ای، تشکل‌های مردمی داوطلب کودکان و نوجوانان.

البته در روند توسعه تحولات سیاسی، موانع و مشکلاتی در مسیر فعالیت این انجمن‌ها ملاحظه می‌شود که پرداختن به آن‌ها برای مسؤولان ذی‌ربط ضروری است (۶). تحقیقات نشان می‌دهد نقش انجمن‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از بزه‌کاری کمتر می‌باشد. بنابراین تحقیق حاضر در نظر دارد نقش نهادهای مردمی را در مواجهه با جرم و پیشگیری از بزه‌کاری مورد بحث و بررسی قرار داده و نحوه ارتقای این نقش را شناسایی نماید. پرسشی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم، این است که سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرم حائز چه جایگاه و اهمیتی هستند و چگونه می‌توانند وظایف خود را به نحو احسن انجام دهند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه پژوهش حاضر این است که این سازمان‌ها در کنار قوه قضاییه و با تکیه بر آموزش بنیادین، اخلاق و فرهنگ عمومی در سطح جامعه، نقش مهمی در پیشگیری از جرم ایفا می‌کنند.

۱-۱. پیشینه تحقیق: در مقاله «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در دادرسی کیفری؛ در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی» نوشته ابوالحسن مجتهدی سلیمانی و همکاران که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است؛ به نظر نویسندگان، از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مذکور به آن پرداخته است. همکاری متقابل میان سمن‌ها و مردم در زمینه حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی علاوه بر اینکه به کاهش رقم سیاه بزه‌کاری کمک مؤثری خواهد کرد، در بسیاری موارد بستر ساز حضور مؤثر مردم است که می‌تواند در مورد جرائم علیه حقوق و اخلاق شهروندی روند رسیدگی به یک پرونده را پیش ببرد. با وجود این نهادهای دولتی، مداخله سمن‌ها در دادرسی تا

حدی غیر ضروری به نظر می‌رسد، اما این گونه نیست، ارتباط متقابل و دوجانبه سمن‌ها و سازمان‌های دولتی با یکدیگر از یکسو به کنترل اجتماعی و تعمیق نظارت و حفاظت از این امور در جامعه و از سوی دیگر، در بعد قضایی به کشف جرائم، جمع‌آوری دلایل، شناسایی مرتکبان و حصول نتیجه دلخواه کمک شایانی خواهد کرد؛ نگارندگان در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در رسیدگی‌های کیفری، در جهت حمایت از حقوق و اخلاق شهروندی پرداخته‌اند (۷). در مقاله «راهبردهای مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری (نقد و تحلیل ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)» نوشته مصطفی چگنی و محمدحسن حسنی که در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است، از نظر نویسندگان، بحث «سازمان‌های مردم‌نهاد» و مشارکت این سازمان‌ها در فرایند کیفری یکی از جلوه‌های «سیاست جنایی مشارکتی» است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه‌دیده، به ویژه بزه‌دیدگان خاص نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه‌دیدگی ثانوی ایفا می‌کنند، مضافاً اینکه در حوزه‌هایی که مدعی‌العموم به سادگی نمی‌تواند ورود کند و بحث تعقیب دچار مشکل می‌شود، سازمان‌های مردم‌نهاد که امروزه برخی آنان را «دادستان خصوصی» یا «شبه‌دادستان» می‌نامند، در تعامل با مدعی‌العموم قرار گرفته و سعی می‌کنند حامی حقوق جامعه و افراد در بحث اعلام جرم، اقامه دلیل، اعتراض به احکام دادگاه‌ها و... باشند. در این مقاله سعی شده است با توجه به نوآوری آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در این زمینه و مطرح کردن سازمان‌های مردم‌نهاد در بحث اعلام جرم (ماده ۶۶) میزان مشارکت این سازمان‌ها و شرایط مداخله آنان در فرایند کیفری و چالش‌ها و نواقص در این زمینه، ازجمله نحوه شکل‌گیری این سازمان‌ها در ایران و خلأهای موجود مورد نقد و بررسی قرار گیرد (۸).

مفهوم سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران به نقش سازمان‌های مزبور در پیشگیری و واکنش به جرم پرداخته شده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در این تحقیق سعی شده تا مسائل مربوط به اخلاق در پژوهش و از جمله امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله رعایت گردد.

۳. مواد و روش‌ها

در این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی پس از جستجوی هدفمند و مرور منابع، نقش اخلاقی و اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد در واکنش به جرم و پیشگیری از آن مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

۴. یافته‌ها

از جمله وظایف اساسی حکومت‌ها، ایجاد امنیت و سالم‌سازی محیط شهری است. بزه‌کاری و وقوع جرم از شاخص‌ترین پدیده‌هایی است که این امنیت را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر همین اساس دولت‌ها به خاطر حفظ نظم و امنیت و در راستای جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرائم، سازوکارها و سیاست‌های خاصی را طرح می‌نمایند.

در حقوق ایران طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی در مقام تعیین وظایف دستگاه قضایی وظیفه پیشگیری از وقوع جرائم، از جمله مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه دانسته شده است. همچنین، این قوه باید پشتیبان حقوق افراد در اجتماع و ضامن احقاق حق و اجرای عدالت و رفع خصومت باشد و برای به منصفه ظهور رساندن حق و احیای حقوق عامه مردم انجام وظیفه نماید. البته پرواضح است که سپردن این وظیفه خطیر صرفاً به قوه قضاییه، یک خطای استراتژیک است. در واقع دیگر نهادها و سازمان‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی باید به مسأله پیشگیری از بزه توجه داشته و در کنار قوه قضاییه به

در مقاله «مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری» نوشته اکبر وروایی و همکاران که در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است، نویسندگان اذعان داشته‌اند، سازمان‌های مردم‌نهاد با آن که از سال‌ها قبل در کشور حضور فیزیکی دارند، اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان جدی تلقی نشده و نقش‌آفرینی تأثیرگذاری در فرایند کیفری نداشته‌اند. از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مذکور به آن پرداخته است. تصویب این ماده که طی تصمیمی جالب توجه در فاصله چند روز مانده به لازم‌الاجراشدن قانون، به ناگاه مورد اصلاح قرار گرفت، حق دادخواهی سمن‌ها را در حد یک اعلام‌کننده جرم و تماشاجی روند دادرسی تنزل داده است. صرف نظر از اینکه بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم در کشور به منظور مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری موجود نیست، نقش آنان در فرایند کیفری در حد یک اعلام‌کننده جرم و شرکت‌کننده در جلسات رسیدگی است. در مقام عمل هم با ابهاماتی همچون ملاک تشخیص صلاحیت سازمان‌های مردم‌نهاد مداخله‌گر در فرایند کیفری مواجه هستیم (تبصره ۳ ماده ۶۶). همچنین چگونگی توسعه مشارکت سمن‌ها در فرایند کیفری و سازوکارهای نظارتی بر فعالیت آنان مشخص نیست. این مطالعه در نظر دارد زمینه‌ها و موانع فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را در فرایند کیفری مورد بررسی قرار داده، به نقش حیاتی سمن‌ها در پیشگیری از جرم و مداخله آنان در فرایند کیفری بپردازد (۹).

همانطور که در قسمت پیشینه تحقیق مشاهده شد، عمده پژوهش‌های موجود بر امکان‌سنجی مداخله سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری می‌باشد، اما در پژوهش حاضر علاوه بر پرداختن به

سازمان مردم‌نهاد یا سازمان غیر دولتی «NGO» معادل اصطلاح لاتین Non-Governmental Organization می‌باشد. سازمان ملل متحد «NGO» را به گروه غیر انتفاعی داوطلبانه از شهروندان جهانی تعبیر نموده که در سطح ملی و محلی و بین‌المللی تشکیل شده باشند. آن گونه که از اصطلاح آن مستفاد می‌شود، این است که این سازمان‌ها از بودجه دولتی استفاده نکرده و بر مؤسسات و سازمان‌هایی اطلاق می‌گردد که اعضای آن در مقابل انجام فعالیت‌ها مسئولیت مستقیم دولتی ندارند. سازمان ملل و ارگان‌های بین‌المللی عنوان‌های NGO و CBO را بر سازمان‌هایی اطلاق می‌کنند که در امور غیر انتفاعی، توسعه امداد رسانی و کمک به اقشار فقیر و آسیب‌پذیر فعال هستند.

در کشور ما، نظر به اهمیت و جایگاه سرمایه‌های اجتماعی در فرآیند توسعه کشور و ضرورت بهره‌برداری از این سرمایه‌ها در برنامه‌های پیشرفت، اداره کل امور سازمان‌های مردم‌نهاد در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در دولت نهم تأسیس شده و فعالیت آن حول ۳ محور ساماندهی، حمایت و توانمندسازی و نظارت بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد متمرکز گردید. هدف از تأسیس این اداره کل، ساماندهی مشارکت‌های مردمی و برنامه‌ریزی جهت تقویت حضور مردم در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی بوده و به طور کلی این اداره کل بر آن است تا مشارکت‌های مردمی را در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و در موضوعاتی مانند امور اجتماعی، امور خیریه، امور بشردوستانه، عمران و آبادانی، بهداشت و درمان، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی، محیط زیست و امثال آن ساماندهی نموده و امکان شکوفایی ظرفیت‌های بالقوه موجود در این سازمان‌ها را در عرصه‌های مختلف فراهم کند. نظارت بر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد، آسیب‌شناسی، برنامه‌ریزی برای رفع نارسایی‌ها و هدایت این سازمان‌ها در مسیر منافع عمومی و همچنین قانونمند نمودن فعالیت و ایجاد شفافیت در این خصوص، از جمله اهداف مد نظر در اداره کل امور سازمان‌های مردم‌نهاد

اتخاذ روش‌هایی، برای پیشگیری از وقوع جرائم، سوق داده شوند. سازمان‌های غیر دولتی و نهادهای مردمی می‌توانند زمینه‌های پیشگیری از جرم را با تکیه بر آموزش و فرهنگ عمومی فراهم آورند؛ از مهم‌ترین نهادهای مردمی می‌توان به خانواده و مساجد و در سطح عمومی به نهاد آموزشی اشاره کرد که می‌توانند قوه قضاییه را در پیشگیری از جرم یاری و همراهی کنند.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران:

نهاد ریشه فعل نهادن است و در معانی سرشت، طبیعت، بنیاد، روش، طریقه، آیین، آداب، قاعده و ... آمده است (۱۰). سازمان مردم‌نهاد را می‌توان تشکیلی دانست که بنیاد و آیین آن از دل مردم و اجتماع (مبادی غیر رسمی و حاکمیتی) سرچشمه می‌گیرد. اصطلاح سازمان غیر دولتی، سازمان مردم‌نهاد یا NGO به شکل‌های مختلفی در سراسر جهان استفاده می‌شود و با توجه به وجوه اشتراکی که در آن مورد استفاده قرار گرفته است، به انواع مختلف سازمان‌ها اشاره می‌نماید. سازمان غیر دولتی در معنای کلی خود سازمانی است که به صورت مستقیم بخشی از ساختار دولت محسوب نمی‌گردد، اما نقش و جایگاه بسیار اساسی به عنوان واسطه بین آحاد مردم و حکومت و حتی خود جامعه ایفا می‌کند، اغلب سازمان غیر دولتی سازمان‌های غیر انتفاعی نیز به شمار می‌آیند. درآمد این سازمان‌ها از طریق واریزی کمک‌های مردمی، سازمان‌های عمدتاً دولتی، توسط خود دولت یا ترکیبی از روش‌های مذکور تأمین می‌گردد. بعضی از سازمان‌های غیر دولتی به صورت نیمه‌مستقل کارهای دولتی را نیز انجام می‌دهند (۱۱). بعضی از این سازمان‌ها به هیچ عنوان وارد سیاست نمی‌شوند، در مقابل برخی از آن‌ها به دنبال تأمین منافع و هزینه‌های خود سازمان و اعضای وابسته به دولت و سیاست‌های آن، می‌باشند (۵).

می‌باشد (۶). در حال حاضر سند اجرایی فعالیت این اداره کل، آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مصوب هیأت وزیران مورخ ۱۳۸۴/۵/۸ می‌باشد. همچنین در بند «ی» ماده ۱۱۹ و ماده ۱۴۰ قانون برنامه چهارم توسعه نیز بر وظایف دولت (وزارت کشور به نمایندگی از دولت) در خصوص حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای توسعه کمی و کیفی آن‌ها، تصریح شده است.

۵-۲. کارکرد و انواع سازمان‌های مردم‌نهاد و اثربخشی آن

۵-۲-۱. کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد: یک سازمان مردم‌نهاد برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود از شیوه‌ها و روش‌های متفاوتی بهره می‌گیرد که می‌توان آن‌ها را در هفت مورد دسته‌بندی و بررسی نمود (۱۲) که عبارتند از:

اول، جمع‌آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات: یکی از کارکردهای مؤثر و مشخص سازمان‌های مردم‌نهاد، حد وسط بودن بین دولت و جامعه است. کسب اطلاعات از دولت و انتقال آن به شاخه‌های پایین‌تر، یعنی تک‌تک افراد جامعه و یا برعکس آن یعنی جمع‌آوری اطلاعات در چارچوب موضوع فعالیت و ارائه آن به دولت می‌تواند به صورت یک تعامل فی‌مابین و از کارکردهای اساسی یک سازمان مردم‌نهاد در توسعه فرهنگی و اجتماعی به شمار آید (۱۳)؛ دوم، ارائه پیشنهاد به دولت: بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد تلاش می‌نمایند تا با ارائه راهکارهای اجرایی و یا تئوریک در زمینه‌های موضوعی مختلف به دولت کمک نمایند، این عمل ضمن اینکه می‌تواند دولت را در پیشبرد اهداف و سیاست‌هایش کمک نماید، باعث ایجاد تعامل بر پایه اعتماد بین دولت و نهادهای غیر دولتی می‌گردد. به عنوان مثال سازمان‌های مردم‌نهاد با ارائه و انجام پروژه‌های خرد و کلان در موضوعات مختلف دولت را در رسیدن به هدف مبتنی بر توسعه پایدار کمک می‌نمایند (۱۴)؛ سوم، اقدامات حمایتی و وکالتی: یکی از کارکردهای مؤثر و رایج در سازمان‌های مردم‌نهاد، انجام اقدامات حمایتی به اشکال

مختلف و ارائه خدمات به فرد فرد جامعه می‌باشد (۵)، این امر با اهداف بشر دوستانه اتفاق می‌افتد و سازمان‌های مردم‌نهاد را در شمار نهادهای حمایتی در یک جامعه قرار می‌دهد (۱۵)؛ چهارم، آموزش، پژوهش و انجام مطالعات: سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار سازمان‌هایی که به صورت رسمی و انحصاری به این مهم اشتغال دارند، می‌توانند در نمونه‌های کوچک‌تر گروه‌هایی از افراد جامعه را مورد آموزش قرار دهند که این امر فرصتی است برای بهره‌مند شدن از آموزش‌های رسمی جامعه برای افرادی که توانایی آن را ندارند و برخوردار شدن از آموزش‌هایی که سازمان‌های صلاحیت‌دار آن را تأمین نمی‌کنند، برای مثال سازمان‌های مردم‌نهادی که با موضوعات خانواده یا تربیتی فعالیت می‌نمایند، می‌توانند با آموزش‌های مناسب و مورد نیاز در حوزه خانواده به رشد کیفی سطح بینش پدر و مادر در جهت اتقان بنیان خانواده‌ها کمک نمایند. از نگاهی دیگر عناصر پژوهش و تحقیق نیز از اصول اساسی توسعه و پیشرفت یک جامعه به حساب می‌آیند، سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند با تشکیل گروه‌های ویژه و خاص و کارشناسی رسمی در محیط‌های که جامعه بدان نیازمند است، دست به پژوهش‌های اساسی و کلی و یا موردی - انفرادی زده و برآمد آن را در اختیار بخش دولتی صلاحیت‌دار قرار داده و یا به اطلاع عموم برسانند (۱۶)؛ پنجم، ایجاد تشریک مساعی: برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد با ارائه راهکارهای عملیاتی و یا تئوریک به بعضی از افراد جامعه و یا حتی خود دولت در فرایندسازی برنامه‌های منطبق با اصول تشکیلاتی کمک نموده و با آنان در جهت این مهم همکاری دارند (۱۷)؛ ششم، جمع‌آوری و ارائه کمک‌های حقوقی و بشردوستانه: یکی از مسائلی که همواره جوامع انسانی با آن درگیر هستند، معضلات اجتماعی از قبیل نداشتن بنیه مالی، سوءمصرف مواد مخدر، شیوع و منتشرکردن برخی بیماری‌های واگیردار، ترویج فساد و بی‌بند و باری، معضلات زیست‌محیطی، تنش‌های اجتماعی، فقر فرهنگی، اختلاف طبقاتی، فقدان فرهنگ

مناسب شهر نشینی و آپارتمان نشینی و بسیار مورد دیگر می باشد که هرچند نهادها و سازمان های دولتی و صلاحیت دار، به منظور غلبه بر این معضلات همواره برنامه ها و سیاست هایی را اعمال می نمایند و بودجه هایی را سالانه مصروف این بخش می سازند، اما ایفای نقش مشارکتی سازمان های مردم نهاد و تشکل های محلی می تواند، کمک مؤثری در این راه باشد (۱۸)؛ هفتم، کارکرد روانی تبلیغاتی: این روش به ویژه از سوی سازمان های حقوق بشری و زیست محیطی مورد استفاده قرار می گیرد، انتشار خبرنامه ها، برگزاری نشست ها و سخنرانی ها در جلسات سازمان های دولتی و غیر دولتی در مورد موضوعی خاص، این کارکرد را عینیت می بخشد (۱۹).

۲-۲-۵. سازمان های مردم نهاد در ایران و اثربخشی آن

۲-۲-۵-۱. جایگاه عبادات و مکان های خاص مذهبی در کاهش جرائم اجتماعی: نماز جماعت در مساجد زمینه آشنایی مسلمانان را با همدیگر فراهم می آورد و این آشنایی در محلات، محل های کسب و کار و طی تعاملات اجتماعی عمیق تر می شود. در گذشته، آشنایی افراد یک محله یا شهر و برقراری شبکه گسترده تعاملات و روابط بین فردی باعث شکل گیری نوعی نظام نظارت همگانی در جوامع اسلامی می شد که بدون نیاز به مراجع دولتی و رسمی تأمینی و نظارتی زمینه بروز ناهنجاری ها و جرائم اجتماعی را از بین می برد و بر مبنای اصل امر به معروف و نهی از منکر به ایجاد نظم اجتماعی، اعتماد عمومی، سلامت فردی و اجتماعی و محو مظاهر مفاسد اجتماعی در جامعه کمک شایانی می کرد (۲۰). فراهم بودن زمینه حضور گروه های سنی مختلف در مساجد برای برپایی نماز جماعت، باعث می شد مسجد به عنوان نهادی مؤثر در فرایند اجتماعی شدن و انتقال ارزش ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر عمل کند؛ ارتباط وسیع و نزدیک گروه های مختلف سنی زمینه آشنایی و درک ویژگی های هر دوره سنی را برای افراد مختلف فراهم می آورد و موجب می شد رفتارها و تعاملات اجتماعی

مردم متناسب با شرایط و مقتضیات سنی شکل گیرد، ضمن آنکه رواج اخلاق حسنه در تعاملات مردم در مساجد و برپایی نماز جماعت و به تبع آن در محلات و خیابان ها و غلبه اصل خیرخواهی بر روابط اجتماعی، زمینه اجتماعی شدن ثانویه برخی از افراد و گروه هایی را که رفتار و کردارشان انطباق کامل با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مطلوب را نداشت، فراهم می آورد و باعث می شد که افراد با یکدیگر و کنار یکدیگر روابط اجتماعی و تعامل اجتماعی داشته باشند و در مشکلات و سختی ها یار و غمخوار هم باشند.

۲-۲-۵-۲. نهاد آموزش: نهاد آموزش، در جوامع امروزی، نقش عمده ای در پیشگیری و یا کاهش از جرم دارد. در محیط مدرسه، هر کودک به مانند جامعه بزرگ ترها که در آینده وارد آن خواهد شد، نقش مشخصی دارد و با چگونگی ایفای نقش های اجتماعی در آینده آشنا می گردد و مانند هر نظام اجتماعی دیگر، سلسله مراتب تقسیم وظایف و مسؤولیت پذیری را که لازمه یک جامعه است، می آموزد. نهادهای آموزشی - تربیتی با توجه به کارکردهای ویژه ای که به عهده دارند، می توانند موجبات رشد فردی و رفاه جمعی را فراهم نمایند. این جریان، در زندگی انسانی نقش مهمی را ایفا می نماید. برای مثال ایجاد همبستگی اجتماعی و روحیه نوجویی که یکی از تأثیرات سازمان های آموزشی و تربیتی در سطح اجتماع است، می تواند تأثیر ویژه ای در بهبود روابط اجتماعی و پیشگیری از انحراف داشته باشد (۲۱). سرمایه گذاری بر روی این نهاد و ایجاد فرصت های برابر آموزشی برای فرد فرد اعضای جامعه، آن ها را در فراگیری دانش ها و مهارت های موجود، یاری می رساند، چراکه جامعه ای که دارای افراد باسواد و تحصیل کرده یا فن و حرفه آموخته باشد، جامعه ای سالم تر و به دور از انحراف و تخطی خواهد بود. یکی از وظایف اساسی این نهاد مهم اجتماعی تحکیم عناصر اجتماعی در جامعه است، به گونه ای که با فرهنگ سازی ضمن مقابله با عناصر فرهنگ بیگانه می تواند نسبت به جریان انتقال فرهنگی که از

وظایف آرمانی و اساسی این نهاد زیرساختی است، زمینه‌های تحقق میراث فرهنگی را در جامعه تقویت کند (۲۲).

۵-۲-۳. نهاد خانواده: خانواده یکی از اساسی‌ترین نهادهای هر جامعه‌ای است که بسیاری از صاحب‌نظران در مورد آن اندیشیده‌اند و ریشه نابهنجاری‌ها و کجروی‌ها را در خانواده جستجو کرده‌اند و در واقع هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، مگر از خانواده‌های سالم برخوردار باشد. اساس سعادت بشری، زندگی خانوادگی است؛ رفتارهای ناشی از نقشی که در خانواده فراگرفته شده است، نمونه و سرمشق رفتار در سایر قسمت‌های جامعه خواهد بود. محیط خانوادگی رابطه مستقیم با بروز حالت خطرناک و ارتکاب جرم دارد (۲۳). بزه‌کاری در کودکان و نوجوانان، هرچند می‌تواند به عوامل بسیار، از جمله مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... باشد، اما در گام نخست این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می‌کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می‌سازد و انسان به دلیل ویژگی اجتماعی بودن خود از بدو تولد تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اطرافیان قرار می‌گیرد و بعدها به تقلید از این رفتارها و گفتارها الگوهایی را که به نحوی در ارتباط با او هستند، سرمشق رفتاری خود قرار خواهد داد. به این ترتیب اگر با گسترش بزه‌کاری در کودکان و نوجوانان رو به رو هستیم باید خانواده را به عنوان اولین کانال ورودی فرد به اجتماع مورد بررسی قرار دهیم و علل و انگیزه‌های اولیه را در این راه جستجو نماییم. Freud بر این باور است که شخصیت، متشکل از سه نظام نهاد، خود و فراخود است و فراخود معرف بازنمایی‌های درونی‌شده آن دسته از ارزش‌ها و اخلاقیات جامعه است که والدین به کودک آموخته‌اند، فراخود در واقع همان وجدان فرد است و درباره درست یا غلط بودن اعمال فرد داوری می‌کند (۲۴).

مسئله پیشگیری از انحرافات به وجودآمده در اجتماع یکی از راهکارهایی است که در بخش نظارت و کنترل اجتماعی مطرح می‌شود و خانواده در این حوزه، نقش اصلی را بازی می‌کند.

پیشگیری، سیاست پیشینی و هماهنگ از مجموعه روش‌های مستقیم و غیر مستقیمی است که با هدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های جلوگیری‌کننده از وقوع جرم و کجروی، طراحی و تشکیل می‌شود. بین دو مسئله پیشگیری و کنترل آن، رابطه محکمی وجود دارد، به طوری که بعضی واژه «کنترل پیشگیر» را در این رابطه به کار می‌برند و در تعریف آن بیان می‌کنند: پیشگیری، به کنترلی اطلاق می‌شود که قبل از وقوع اتفاق صورت می‌گیرد و از انحراف و تباهی، جلوگیری می‌کند. از مهم‌ترین روش‌های پیشگیری افراد از انحرافات، درونی‌کردن هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه است (۲۵).

جامعه‌شناسان تشکیل و ایجاد شخصیت فردی را ناشی از پذیرش فرهنگ و جامعه می‌دانند و بیان می‌دارند «از مهم‌ترین نتایج حاصل از جامعه‌پذیربودن، ایجاد شخصیت فردی و قواعد تقریباً ثابت قوه فکر، عمل و احساس است که تماماً از جمله ویژگی‌های اساسی یک فرد به شمار می‌آیند.» این دانشمندان برای جامعه‌پذیری نقش مهمی قائل هستند تا جایی که تفاوت عناصر شخصیتی افراد جامعه را حاصل جامعه‌پذیری افراد شمرده و معتقدند هر فردی در هر جامعه، متمایز از افراد دیگر است که این اختلاف، معمولاً ناشی از جامعه‌پذیری افراد است. ما انسان‌ها نه صرفاً در یک جامعه، بلکه در قسمت خاصی از آن به دنیا آمده و زندگی می‌کنیم، لذا تحت تأثیر فرهنگ خاص آن حوزه، نژاد، مذهب، و نیز تحت تأثیر گروه‌های خاصی از جمله خانواده و دوستان قرار می‌گیریم (۲۶).

بر مبنای این نظر جامعه‌شناسان، هم وجوه اشتراک و شباهت‌های شخصیتی افراد و هم وجوه اختلافات آن‌ها معمولاً به نحوه جامعه‌پذیری آن‌ها بستگی دارد. پرواضح است خانواده در نحوه شکل‌گیری و تربیت فرد نقش مهم و اساسی را به عهده دارد، برای همین است که اولین مرحله فرهنگ‌پذیری فرد از خانواده آغاز می‌شود. پدر و مادر، از جمله نخستین افرادی هستند که در محیط خانه بر اخلاق فرزندان خود اثر

می‌گذارند. آنان با روش‌ها و افعال و نوع رفتار خود قواعد خوبی‌ها یا بدی‌ها را در کالبد فرزند خود می‌دمند، لذا بدیهی است که زمینه تشکیل رفتارهای خوب و بد فرزندان خود را پایه‌گذاری می‌کنند. یکی از جرم‌شناسان مطرح معتقد است که اثرات سال‌های عمر بر روی تکوین و تحول آینده شخصیت افراد بسیار مهم است و اگر خانواده به وظایف اصلی تربیتی خود عمل کند و روابط بین پدر و مادر و فرزند طبیعی و محترمانه باشد و در خانواده، محیط صمیمانه و محبت حاکم باشد و در آخر، نیازهای طبیعی که فرزندان دارند مهیا گردد، فرزند به آسودگی، اجتماعی خواهد شد و نیز در روابط خانوادگی و خارج از روابط خانوادگی، رفتارهای معقولانه و متعادلی را خواهد داشت، اما اگر جو و شرایط به گونه دیگری باشد، یعنی خانواده از نظر تعلیم و تربیت دچار نقص باشد و فرزند از نیاز شدید عاطفه و محبت عذاب بکشد و همچنین اگر پدر و مادر از هم طلاق بگیرند، پرواضح است که آثار زیان‌بار آن دامن‌گیر طفل خواهد شد (۲۷).

۵-۳. جایگاه نهادهای قضایی در پیشگیری از جرم: در

حقوق ایران طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظیفه پیشگیری از وقوع جرائم، از جمله مهم‌ترین وظایف قوه قضاییه دانسته شده است. این قوه باید پشتیبان حقوق افراد در اجتماع و ضامن احقاق حق و اجرای عدالت و رفع خصومت باشد و برای تأمین حق و احیای حقوق عامه مردم انجام وظیفه نماید. همچنین اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیز ایجاد تشکیلات حقوقی لازم برای به انجام‌رساندن وظایف محول‌شده از جمله وظایف ریاست قوه قضاییه برشمرده است. قوانین عادی نیز در مقام طرح و تبیین این رسالت مهم، به شرح وظایف و مسؤولیت‌های قوه قضاییه در این جهت پرداخته‌اند. طبق بند ۴ قسمت «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بخش توسعه و جهت‌دهی امور قضایی، بر روش‌های لازم برای پیشگیری از جرم و وقوع آن، تأکید شده است. طبق اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه قضاییه باید مسیر

تحقق این امر را هموار کند. در همین راستا قوه قضاییه در راستای بندهای ۳ و ۶ برنامه پنج ساله دوم توسعه قضایی، لایحه پیشگیری از وقوع جرم را تدوین نمود، لذا فعلاً معاونت امنیت پیشگیری از وقوع جرم، دادستان‌ها، ستادهای پیشگیری و جرائم خاص، ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی، اداره فرهنگی و اجتماعی قوه قضاییه و دفتر پیشگیری از جرم دادستانی، در این زمینه ایفای نقش می‌کنند (۲۸). با توجه به اینکه دادسرا وظایفی از قبیل کشف و شناسایی جرم، تعقیب و پیگیری متهمان، طرح دعوی از لحاظ جنبه حق‌الله و صیانت حقوق عمومی و قواعد حدود شرع مقدس اسلام، اجرای آرا و رسیدگی‌کردن به پرونده‌های امور حسبی را دارا می‌باشد، ریاست قوه قضاییه نهادی تحت عنوان «معاونت پیشگیری از وقوع جرم» در مراکز استان‌ها را به ضرورت تشخیص داده تا دادستان‌ها در کنار دیگر وظایف قانونی خود وظایف ذیل را هم بر عهده بگیرند: بررسی‌کردن نوع جرائم ارتکاب‌یافته در محدوده استان از لحاظ نوع بزه، افزایش یا کاهش جرم و عوامل ایجادکننده جرم، تحلیل و تجزیه آماری مطالبی که در حوزه جرائم ارتکاب‌یافته در سطح استان مورد صلاحیت به دست آمده است، کشف و اثرگذاری عوامل محیط بر وقوع جرم، طرح سیاست‌های لازم در راستای جلوگیری از وقوع جرم به منظور برقرارنمودن سلامت و امنیت جامعه در حوزه استان مربوطه، همکاری با سازمان‌ها و نهادهایی که در ارتباط با پیشگیری از وقوع جرم نقش دارند، ابلاغ اصول و سیاست پیشگیرانه به مراجع و سازمان‌های مربوطه، ارسال گزارش‌های مناسب در مورد اقدامات انجام‌یافته در فرایند پیشگیری از وقوع جرائم به شورای استانی پیشگیری از وقوع جرائم، کشف منطقه‌های جرم‌خیز در حوزه قضایی مربوطه، نظارت کامل و ادامه‌دار بر مراجع صالح برای عملیاتی کردن و پیشگیری سیاست‌های تدوین‌شده از طرف شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم، ایجاد سجل کیفری برای مجرمان با تعدد جرائم

مشابه و پرتکرار و ارائه آن به مراجع قضایی صالح، تحلیل و بررسی نتایج سیاست‌های پیشگیری در جهت کشف نقاط ضعف و قوت اعمالی که انجام یافته است و همچنین ارائه گزارش مناسب به شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم (۲۹).

در این میان، دستگاه قضایی با چالش‌های فراوانی در زمینه پیشگیری از وقوع جرم رو به‌روست که می‌توان از آن جمله به نبود هماهنگی برخی از نهادها با این دستگاه در این رابطه اشاره کرد و لازم است که دیدگاه‌ها و برنامه‌ها در این خصوص هماهنگ‌تر شود. دادستان‌های حوزه‌های قضایی، برای تحقق این سیاست‌ها باید اقداماتی انجام دهند تا وظایفی که قوانین کشور و قوه قضاییه بر عهده آن‌ها گذاشته، بهتر به نتیجه برسند. در این رابطه، سایر نهادها و سازمان‌هایی که در ارتباط با پیشگیری از وقوع جرائم تأثیر دارند، می‌توانند به کمک دستگاه قضا و دادستان‌ها بیایند تا مشکلات و معضلات مرتفع شود (۳۰).

۴-۵. نقش سازمان‌ها، نهادها و قواعد خاص در پیشگیری

از وقوع جرم: سازمان‌های مردم‌نهاد امروزه از بخش‌های مهم جامعه مدنی محسوب می‌شوند که در نتیجه تحولات جهانی شدن و پیشرفت و افزایش چشم‌گیر ارتباطات رسانه‌ای و اینترنتی، رشد زیادی نموده‌اند و به ویژه در زمینه توسعه به عنوان عاملین اصلی بین‌المللی در این زمینه شناخته شده‌اند (۳۱). در نظام داخلی، یکی از عوامل رشد کمی سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیر برنامه سوم توسعه است که برای دوره چهارم نیز تنفیذ شد. در این برنامه برای حل بسیاری از معضلات اجتماعی بر استفاده از توان این سازمان‌ها تأکید شده است. برای نمونه طبق بند «ه» ماده ۱۹۴ قانون برنامه سوم، ارتقای مشارکت نهادهای غیر دولتی و مؤسسات خیریه، در برنامه‌های فقرزدایی و شناسایی کودکان یتیم و خانواده‌های زیر خط فقر، در کلیه مناطق کشور توسط مدیریت‌های منطقه و اعمال حمایت‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برای افراد یادشده

توسط آنان و دستگاه‌ها و نهادهای مسوول در نظام تأمین اجتماعی صورت می‌گیرد. در قانون چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در ادامه بند «ه» بر این مسأله تأکید شده است که اتخاذ رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی، بر اساس الگوی نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی از جمله اهداف توسعه‌ای دولت به شمار می‌آید. همچنین ماده ۹۶ بند «ب» شماره ۶ قانون نیز بر تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیر دولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد تأکید دارد (۳۲).

نقش و جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در سیستم آموزشی و تعلیمی مرتبط با پیشگیری از وقوع جرائم، کارکردی مبتنی بر نظارت است. این سازمان‌ها به سه دسته، سازمان‌های سنتی در سطح محلی که ریشه در فرهنگ و اعتقادات ملی و مذهبی با غلبه فرهنگ دارند و سازمان‌های نیمه‌سنتی یا نیمه‌مدرن در سطح ملی و مدرن در سطح ملی و بین‌المللی تقسیم شده‌اند. شماری از سازمان‌های غیر دولتی خیریه‌ای و اعتباری شامل صندوق‌های قرض‌الحسنه به شکل سنتی اداره می‌شوند. مشکل اداره غالب NGOها در کشورهای نیمه‌سنتی یا نیمه‌مدرن است که به نوعی در حال گذار از سنتی به مدرن هستند؛ البته تعداد کمی از این سازمان‌ها از ساختاری مدرن برخوردارند، اما به دلیل بهره‌نگرفتن مناسب از دانش و تجربه‌های بین‌المللی و ظرفیت فنی، فرهنگ همکاری و مبادله اطلاعات پایین، به روزنبودن آگاهی‌های آنان درباره عملکرد سازمان‌های مدرن از نظر فنون، ظرفیت و مهارت‌های علمی و تخصصی قابل مقایسه با هم‌تایان خود در دنیا نیستند (۳۳). این سازمان‌ها هویت و اصول مشخص با رویکردها و سیستم‌های نوینی از قبیل پیشگیری از وقوع جرائم را دارند که در قوانین تشکیل آن‌ها در نظر گرفته شده است. همچنین به منظور بازگشت‌پذیری بزه‌کاران به جامعه و خانواده، از مکانیسم نهادهای مردمی برای جلوگیری از تکرار جرم می‌توانند استفاده نمایند.

۵-۴-۱. نقش شوراهای محلی در پیشگیری از جرم: شوراهای محلی می‌توانند در سطح ملی نقش مهمی را در جهت پیشگیری از جرائم ایفا کنند. همانطوری که از سال ۱۹۸۲ در فرانسه سیاست‌های تقنینی توسعه با غایت پیشگیری از انجام جرائم در چارچوب شوراهای محلی پیشگیری از وقوع جرم به اجرا رسیده و برای آن الگوهایی طراحی شده است. در این زمینه، با طرح و بررسی موضوعات اساسی که دولت تعیین می‌نماید، مصادیقی از موارد حوزه‌های فرعی و ثانویه، یعنی پیشگیری از تکرار جرم، پیشگیری از مصرف مواد توسط معتاد متجاهر، برقراری مسأله امنیت در مکان‌های خاص و تقویت آموزش نسل جوان، مطمح نظر قرار می‌گیرد (۳۰).

۵-۴-۲. نقش شهرداری‌ها در پیشگیری از جرم: شهرداری‌ها طبق نظریه حکومت محلی شهری جزء مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهای مدیریت شهری به حساب می‌آیند. این نهاد غیر دولتی رسمیت خود را از قانون اخذ می‌کند و مشروعیت سیاسی خود را از آرای مردم کسب می‌نماید. تصور اینکه این نهاد استقلال عملیاتی با حکومت مرکزی دارد، یک اشتباه محض است. شهرداری‌ها مطلقاً از استقلال قانونی برخوردار نیستند و به انحای مختلف تحت نفوذ حکومت مرکزی قرار دارند. به هر تقدیر شهرداری‌ها عمدتاً مستقل از حیث ساختاری و غیر دولتی بوده که به موجب قوانین در شهرها ایجاد می‌گردد و عهده‌دار امور شهری و ارائه خدمات به شهروندان خود هستند و به موجب ماده ۳ قانون شهرداری‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقلی هستند. با مذاقه در قانون پنجم برنامه توسعه به نقش شهرداری در پیشگیری از جرم نیز پی می‌بریم. طبق بند «ه» ماده ۲۱۱ قانون برنامه توسعه، همکاری و مشارکت نهادهای اجرایی از قبیل شهرداری‌ها با قوه قضاییه، بر این نهادها تکلیف قانونی شده است. شکی نیست که بعضی از وظایف سازمان‌هایی مثل شهرداری‌ها، می‌تواند با روش‌های پیشگیری و همچنین با برخی از وظایف قوه قضاییه رابطه داشته باشد. برای مثال شهرداری می‌تواند

بخشی از بودجه خود را صرف فضا سازی شهری و تبدیل فضاهای پرخطر یا جرم‌خیز به محیط‌های امن و سالم کند. برای مثال در شهر تهران تبدیل فضاهایی از رود دره پونک به بوستان نهج‌البلاغه از جمله اقدامات ایمن‌سازی محیط انجام شده در مکانی است که قبلاً جزء محیط‌های پرخطر به شمار می‌آمد. همچنین می‌توان به متدهایی اشاره کرد که در جهت کشف و جمع‌آوری گروه‌های پرخطر یا آسیب‌پذیر مانند متکدیان، ولگردان، معتادان متجاهر، اطفال خیابانی و... به انجام می‌رسند. در این زمینه نیز شهرداری در پایتخت برنامه‌هایی را مثل ایجاد فضاهایی برای نگهداری افراد مذکور اجرا کرده است؛ شهرداری‌ها می‌توانند با تقویت و کیفی‌سازی چنین سیاست‌ها و تدابیری، گامی مهم در جهت پیشگیری از بزه در محیط‌های پرخطر بردارند (۳۴).

۵-۴-۳. نقش امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم: بزه‌کاری امری اجتناب‌ناپذیر است که در همه جوامع بشری وجود دارد، اما در جوامع مختلف با اشکال متفاوت ظاهر می‌شود. هیچ جامعه‌ای نیست، مگر آنکه در آن جامعه، «جرم»، یعنی عملی که احساسات قوی و مشخص وجدان گروهی را جریحه‌دار می‌سازد، وجود دارد. جرم موجب ایجاد اختلال در نظم جامعه‌شده به همین دلیل واکنش جامعه را به دنبال دارد و این واکنش بیشتر در قالب کیفر که ضامن بهداشت اجتماعی است، ظاهر می‌شود، اما باید اذعان داشت که کیفرها برخلاف تصور دانشمندان حقوق جزای مکتب کلاسیک و قانونگذاران و عامه مردم، اکسیری نیست که منجر به درمان دردهای جامعه شده، بتواند عوامل مولد جرم را از میان بردارد، لذا بهتر آن است که برای مبارزه با جرم نخست در تکاپوی حذف و پیشگیری غیر مستقیم محرکه‌های جنایی باشیم. به عبارتی قبل از وقوع به علاج واقعه بپردازیم. اینجاست که پیشگیری بر درمان مقدم گردیده و نهادهای پیشگیری‌کننده جایگاه رفیعی را در جامعه به خود اختصاص می‌دهند. یکی از این نهادها که ریشه در اعتقادات دینی مسلمانان دارد و در

جامعه اسلامی علاوه بر ضرورت عرفی از پشتوانه اعتقادی برخوردار است، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است. معروف یعنی آنچه که مورد پسند عرف است و منکر، یعنی آنچه که نزد عرف، ناپسند است (۳۵). استفاده از روش‌های معروف در امر به معروف و نهی از منکر از منظر جرم‌شناسی دارای اهمیت والایی است، چراکه توسل به شیوه‌های ناصحیح ممکن است خود، منجر به گسترش منکر شده و معروفی را تعطیل نماید و منجر به جزم‌زایی گردد. برای اجتناب از این امر، پیشنهاد می‌گردد که در باب امر به معروف و نهی از منکر اولاً از منکر مسلم نهی شود، نه از منکر اجتهادی؛ ثانیاً از گناه و بدی ظاهر نهی شود، چراکه مقصود از امر به معروف و نهی از منکر این است که جامعه از نظر ظاهری پاک باشد، نه آنکه برای امر به معروف و نهی از منکر، وارد عرصه خصوصی افراد شده و اثبات منکر نمود، چراکه این امر، خود نوعی منکر است. جرم‌شناسی پیشگیری به ما می‌آموزد که برای مبارزه با پدیده‌های مجرمانه به جای توسل به کیفر، باید به دنبال تعیین مؤثرترین وسایل برای حذف و پیشگیری غیر مستقیم از محرکه‌های جنایی برآییم، زیرا به محض اینکه محرکه‌های جنایی بسط یافتند، دیگر توسل به کیفر بیهوده است، چراکه کیفر از لحاظ اجتماع و دفاع از آن، متد کم‌اهمیتی می‌باشد که جوابگوی این نیازمندی نیست. پس باید به روش‌های دیگری متوسل شد تا جایگزین کیفرها گردند و نیازهای اجتماعی را برآورند. اگر این تدابیر در هر جای دنیا قدرت مؤثر پیشگیری خود را اعمال نمایند، در جلوگیری از ارتکاب بزه تأثیر به سزایی خواهد داشت. در همین راستا نیز یکی از مصادیق بارز این تدابیر که از جایگاه ویژه دینی نیز برخوردار است، نهاد امر به معروف و نهی از منکر است که در صورت استفاده از شیوه‌های صحیح در اعمال آن، می‌تواند نقش عمده‌ای در پیشگیری، ایفا نماید (۳۶).

۴-۴-۵. نقش مذاهب الهی در پیشگیری از وقوع جرم: در اکثر جوامع بشری، چه از جنبه تاریخی و چه از حیث اجتماعی در

شرایط کنونی، پنج نهاد اساسی را در شکل‌گیری شخصیت و روان انسان مؤثر می‌دانند که عبارتند از: خانواده، مدرسه، اجتماع، همگنان و مذهب. مذهب بسیاری از نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند و خلأهای اخلاقی، عاطفی و معنوی را پر می‌کند. مذهب، پاسخ بسیاری از سؤالات را می‌دهد و بسیاری از مسائل را روشن نموده و اطمینان، امید و قدرت را در فرد تحکیم نموده و خصوصیات اخلاقی و معنوی را در فرد و اجتماعات استحکام بخشیده و پایگاه بسیار محکمی برای انسان در برابر مشکلات و مصائب و محرومیت‌های زندگی ایجاد می‌کند (۳۷). در فرهنگ اسلامی، مسائل روانی انسان در سه ساحت ممتاز و روش‌مند که با یکدیگر در ارتباطی هم افزا هستند، مورد توجه قرار می‌گیرد (۳۸):

- روش‌های مبتنی بر دین: کتاب خدا (قرآن) در مورد شناخت روان و تجلیات آن سخن بسیار گفته و انسان می‌تواند در زمینه شناخت روحی خود به آن اتکا کند.

- روش‌های مبتنی بر عرفان: یکی از برجسته‌ترین فرازها در مبحث عرفان اسلامی، مسائل روانی و روحی انسان است.

- روش‌های مبتنی بر فلسفه: فلسفه در فرهنگ اسلامی یکی از تجلیات مهم و ارزشمند جامعه مسلمین است. این معرفت با شیوه‌های خاص خود به مسأله روحی و روانی می‌پردازد. فلاسفه بزرگی چون بوعلی و ملاصدرا، بخش‌هایی از آثار خود را به مباحث روان‌شناسی و تربیتی انسان اختصاص داده‌اند و اگر سیری در متون ادبی و عرفانی ایران داشته باشیم، نشان می‌دهد که از دیرباز، شاعران و عارفان بزرگ ایرانی به این موضوع، توجه خاص داشته‌اند.

در مجموع ظرفیت‌های شناختی و تربیتی مذاهب الهی به خصوص زمانی که به صورت نهادی و ارشادی در جامعه به کار گرفته شود ضمن ایجاد علقه و معنا در زندگی افراد نقش شایان توجهی در پیشگیری از جرایم و مقابله با بزه‌ها خواهد داشت.

۶. نتیجه گیری

توسعه و پیشرفت در ساحت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، حقوقی و... در جامعه ایجاد نمی‌شود، مگر اینکه شهروندان جامعه نقشی فعال در اعمال دموکراسی و حکمرانی داشته باشند. مقصود از نقش فعال، مشارکت و مطالبه‌گری شهروندان در اداره شؤون مختلف جامعه است. یکی از جنبه‌های مهم که نیاز مبرم به مشارکت مستقیم مردم دارد، مسأله پیشگیری و واکنش نسبت به جرائم می‌باشد. این امر در چارچوب رویکرد نهادی می‌تواند انسجام، تأثیر و هم‌افزایی را در پی داشته باشد. در این راستا، سازمان‌های مردم‌نهاد در جهت ایجاد همگرایی در جامعه و هماهنگ کردن خواست و اراده اعضای جامعه نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد اساساً دارای جهت‌گیری اخلاقی می‌باشند و اصول اخلاقی بر فرهنگ سازمانی آن‌ها حاکم است. این اخلاق‌گرایی با توجه به اینکه در عمل برآیندی از تفکرات و رویکردهای مختلف جامعه می‌باشد، می‌تواند معیاری مناسب برای پیشگیری و تقبیح رفتارهای مجرمانه در جامعه ایجاد کند.

قوه قضاییه می‌تواند با تمهید بسترهای لازم جهت ایفای نقش سازمان‌های مردم‌نهاد، به این سازمان‌ها که از نمونه‌های آن می‌توان به شورای محلات و مساجد اشاره داشت، ضمن ارائه آموزش‌های لازم، و در چارچوب قانون، اختیاراتی در زمینه پیشگیری از جرم اعطا نماید تا آرامش و امنیت در محل زندگی افراد حاکم شود و به طور کلی زمینه افزایش سطح سلامت اجتماعی شهرها فراهم آید و از وقوع انواع جرائم پیشگیری شود.

۷. تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

۸. سهم نویسندگان

بابک نونهال: نگارش و تألیف مقاله.

بهروز نوروزی: راهنمایی و نظارت بر نگارش مقاله.
جواد واحدی‌زاده: راهنمایی و مشاوره در تنظیم مقاله.

۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

References

1. Mears D, Cochran J. Fundamentals of Criminological and Criminal Justice Inquiry: The Science and Art of Conducting, Evaluating and Using Research. Cambridge: Cambridge University Press; 2019. p.194-195.
2. Najafi Aberandabadi A. Lectures on Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2010. p.14-21. [Persian]
3. Kury H, Redo S. Crime Prevention and Justice in 2030: The UN and the Universal Declaration of Human Rights. London: Springer International Publishing; 2020. p.381-383.
4. Regoli R, Hewitt J, Delisi M. Delinquency in Society. London: Jones & Bartlett Learning, LLC; 2021. p.136-137.
5. Heinzelmann C. International Perspectives of Crime Prevention 11: Contributions from the 12th Annual International Forum 2018 Within the German Congress on Crime Prevention and from the International Conference on Prevention of Violence and Extremism (PV&E). Berlin: Forum Verlag Godesberg GmbH; 2020. p.232-233.
6. Rahimi Khorshidvand H. A Study of the Role of NGO Participation (N.G.O) in Establishing Order and Security. *Police Human Development Bi-Quarterly*. 2009; 6(25): 11-39. [Persian]
7. Soleimani A, Mahdavi pour A, Darabi B, Abdali A. The role of non-governmental organizations in criminal proceedings; In order to protect the rights and ethics of citizenship. *Ethical Research*. 2017; 8(1): 89-106.
8. Chegini M, Hassani M. Strategies for NGO participation in the criminal process (review and analysis of Article (66) of the Code of Criminal Procedure). *Parliament and Strategy*. 2018; 25(94): 341-368.
9. Varvae A, Mohamadi H, Nooriyan A. Participation of non-governmental organizations in the criminal process. *Quarterly Journal of Private and Criminal Law Research*. 2016; 28(1): 27-43.
10. Dehkhoda AS. Dictionary of Dehkhoda. Tehran: University of Tehran Press; 1967. p.1347. [Persian]
11. Özay M, Furman A. A Cross-Sectional Review: Description of the Environmental Non-Governmental Organizations between 1980-2000 in Turkey. Istanbul: Efe Akademi Yayınları; 2021. p.22-23.
12. Cahyo A, Supriyanto E, Windy E, Nugroho F, Natalia F, Saksono H. Proceedings of the 1st International Conference on Law, Social Science, Economics and Education. Jakarta: EAI Publishing; 2021. p.123-125.
13. Diallo S, Caron A, Binot A, Wieland B, Jones B, Roger F. Peste des Petits Ruminants (PPR): Generating Evidence to Support Eradication Efforts. London: Frontiers Media SA; 2021. p.8-9.
14. Frank A. Teaching Urban and Regional Planning: Innovative Pedagogies in Practice. London: Edward Elgar Publishing; 2021. p.247-248.
15. Kaloudis G. Non-Governmental Organizations in the Global System. Washington: Lexington Books; 2021. p.21-23.
16. Siraj A, Lopez J, Perumalla K. 16th International Conference on Cyber Warfare and Security. New York: Academic Conferences and Publishing Limited; 2021. p.403-405.
17. Müller J. Reforming the United Nations. London: Brill; 2021. p.301-302.
18. Alizadeh Y, Masoudinia M, Rostami S, Beyranvand F. Developments in the Principle of the Right to Receive Medical Assistance in the Event of Disasters in the Light of International Soft Law. *Med Hist J*. 2016; 8(28): 85-103.
19. Llewellyn H. An Institutional Perspective on the United Nations Criminal Tribunals: Governance, Independence and Impartiality. London: Brill; 2021. p.351-352.
20. Aghazadeh R. The role of prayer and mosque in reducing social crimes. Tehran: Basiji Teacher Press; 2007. p.21-27. [Persian]
21. Erbe N, Singh S. Preventing and Reducing Violence in Schools and Society. London: IGI Global; 2021. p.220-221.
22. Kendall D. Sociology in Our Times: The Essentials. London: Cengage Learning; 2020. p.180-181.
23. McShane M, Hsieh M. Women and Criminal Justice. London: Wolters Kluwer; 2021. p.139-140.
24. Baldwin L, Isla M, Booth N. Critical Reflections on Women, Family, Crime and Justice. Washington: Policy Press; 2021. p.150-151.

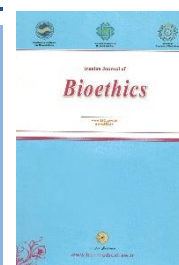
25. Sutton A, Cherney A, White R, Clancey G. Crime Prevention: Principles, Perspectives and Practices. Cambridge: Cambridge University Press; 2021. p.25-26.
26. Hannibal M, Mountford L. Criminal Litigation 2020-21. Oxford: Oxford University Press; 2020. p.139-140.
27. Grant H. Social Crime Prevention in the Developing World: Exploring the Role of Police in Crime Prevention. London: Springer International Publishing; 2014. p.1-3.
28. Niazpour AH. Fundamentalization of crime prevention rights in Iran. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2014; 2(6): 91-111. [Persian]
29. Yusefi T, Sheydaiyan M. Evaluating the structure of crime prevention in the judiciary with a look at the teachings of jurisprudence. *Jurisprudential Principles of Islamic Law*. 2020; 2(26): 261-291. [Persian]
30. Khatibi A, Ahmadi S, Sheykholeslami A. Obligations of Government Institutions in Crime Prevention a Comparative Study of International Experiences. *Iranian Journal of International Politics*. 2018; 7(1): 53-84. [Persian]
31. Waller I. Science and Secrets of Ending Violent Crime. London: Rowman & Littlefield Publishers; 2019. p.3-5.
32. Damari B, Heydrania M, Rahbari Bonab M. The role and function of non-governmental organizations in maintaining and promoting community health. *Payesh*. 2014; 13(5): 541-550. [Persian]
33. Garamaleki A. Ethics in Non-Governmental Organizations. Tehran: Publication of the Center for Women and Family Affairs of the Presidential Institution; 2009. p.11-19. [Persian]
34. Marsousi N, Alizadeh E, Hosseinzadeh R. The role of environmental design in preventing urban crime. *Urban Ecology Research*. 2014; 2(10): 21-49.
35. Rajjian Asli M. Supportive Victimology. Tehran: Dadgostar Publishing; 2005. p.71-83. [Persian]
36. Zeinali H. Crime Prevention and Management in the Light of Current Iranian Laws and Regulations. *Social Welfare Quarterly*. 2002; 6(1): 11-37. [Persian]
37. Berns B. Child, Family, School, Community: Socialization and Support. New York: Cengage Learning; 2015. p.114-115.
38. Badri M. Cultural and Islamic Adaptation Psychology. Delhi: Humanology Sdn Bhd; 2018. p.3-4.



Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)

2021; 11(36): e39

<https://doi.org/10.22037/bioeth.v11i36.35490>



ORIGINAL RESEARCH



Investigating the Ethical and Social Role of Non-Governmental Organizations in Responding to Crime and Crime Prevention

Babak Nonahal¹, Behrouz Norouzi^{2*}, Javad Vahedizadeh³

1. Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

2. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law, Bileh savar Branch, Islamic Azad University, Bileh savar, Iran.

3. Assistant Professor and Scientific Membership, Department of Jurisprudence and Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 8 April 2021

Accepted: 19 July 2021

Published online: 02 May 2022

Keywords:

Non-Governmental Organisation

Public Institutions

Ethics in Non-Governmental Organizations

Judiciary

Crime Prevention

ABSTRACT

Background and Aim: NGOs were initially established as competitors to governments, with the goal of putting pressure on them to perform their duties and responsibilities, but over time, the conditions for interaction between government and NGOs was created. In relation to these organizations, one of the somewhat forgotten approaches is the ethical approach of NGOs in response to crime and its prevention, which the present study will address.

Materials and Methods: In this descriptive-analytical study, after searching and reviewing the resources, the ethical and social role of NGOs in responding to crime and its prevention will be discussed and analyzed.

Ethical Considerations: In this research, issues related to research ethics including their trustworthiness in citing the texts and references of the article have been considered.

Findings: In Iranian law, according to Article 156 of the Constitution, in determining the duties of the judicial system, responding to crime and preventing the occurrence of crimes is considered one of the most important duties of the judiciary. It seems that assigning these duties only to the judiciary is a strategic mistake, and in the way of achieving the goals of the law, non-governmental organizations and public institutions can provide grounds for crime prevention through education and promotion of public culture.

Conclusion: NGOs basically have a moral orientation and ethical principles combined with Social interaction govern their organizational culture. Popular institutions along with the judiciary can play a major role in preventing and responding to crime.

* Corresponding Author: Behrouz Norouzi

Address: Department of Law, Bileh Savar Branch, Islamic Azad University, Bileh Savar, Iran.

Postal Box: 5671613116

Email: beh.norouzi@yahoo.com

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as: Nonahal B, Norouzi B, Vahedizadeh J. Investigating the Ethical and Social Role of Non-Governmental Organizations in Responding to Crime and Crime Prevention. *Majale "Akhlāq-i zīstī" (i.e., Bioethics Journal)*. 2021; 11(36): e39.